آینه

همشهری

رمزگشایی از نقشه‌های تخریبی «دولت در سایه»

● **در گفت‌وگو با محسن هاشمی:** ... دولت از طریق وزارت خارجه سیاست خارجی کشور را دنبال می‌کند، اما گروه دیگری در جای دیگری که معلوم نیست کجاست و در سایه و دور از انظار نشسته‌اند، مقابل تصمیمات دولت می‌ایستند. مثلا گاهی دولت تصمیم می‌گیرد روابط خود را با فلان کشور بهبود ببخشد و مشکلات را رفع کند اما این گروه در سایه تصمیم می‌گیرد که کاری بکند تا میان دولت و دولت مقصد دعوا شود و روابط میان ایران و آن کشور خوب نشود. این همان دولت در سایه است که تصمیم می‌گیرد کاری بکند تا روابط میان ایران و آن کشور را به هم بزند. به همین دلیل است که می‌بینید رئیس‌جمهوری می‌خواهد به یک کشور سفر کند اما ناگهان خبردار می‌شوید که سه ایرانی در آن کشور مقصد بازداشت شده‌اند. یا در دولت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که آقای میتران، رئیس‌جمهوری وقت فرانسه قصد سفر به ایران را داشت، اتفاق مشابهی رخ داد و این سفر انجام نشد. بنابراین، مسائلی از این دست در سیاست خارجی مشهود است اما در وزارت کشور هم می‌توان این مسائل را دید... همه اینها، نشانه وجود دولت در سایه است، به این معنی که گروهی، همه مسائل یک وزارتخانه یا وزیر را زیر نظر دارند و هر جا موافق عملیات و رویکرد آن وزارتخانه نیستند، با یک روش عملیاتی یا تبلیغاتی، آن عمل و برنامه وزارتخانه مذکور را به هم می‌زنند یا با دادن اطلاعات متناقض به مراجع بالاتر به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که دولت نتواند در این زمینه خاص تصمیم بگیرد و عمل کند. این همان دولت در سایه است.

اعتماد

فرصت حضور

● **الهه کولایی:** ... در فضای تشدید ایران‌هراسی و بزرگ‌نمایی تهدیدی به نام ایران به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی آن‌گونه که آمریکا برای پیشبرد این پروژه تلاش می‌کند، حضور ایران در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی را بیش‌ازپیش ضروری می‌سازد و این دقیقا برخلاف نقطه‌نظری است که حضور ایران در این مجامع را مشروعیت‌بخشیدن به آن و به‌نفع قدرت‌های سلطه‌گر جهانی ارزیابی می‌کند.

آرمان امروز

تفکرشناسی از «حلقه کیان» تا «حلقه نیاوران»

● در گفت‌وگو با محمدرضا تاجیک: ... مکتب نیاوران را جدی نمی‌دانم و نمی‌توانم آن را با حلقه کیان مقایسه کنم... هنوز ما نمی‌دانیم که آموزه‌ها و ایده‌های مکتب نیاوران چیست و هدف این مکتب چیست و به‌دنبال چه چیزی است... گذر زمان یا این جریان‌ها را به سمت گفتمان اصلاحات هُل داد یا اینکه مسیر آنها را هموار کرد تا به جریان اصلاحات نزدیک‌تر شوند. کم‌فروغی، نازایی، انجماد، خمودگی و سترونی جریان راست یا اصولگرایی نیز در این مسئله نقش داشت. به همین دلیل نیز کسانی که در یک مقطع تاریخی خود را در ذیل جریان راست تعریف کرده بودند و در این جریان هویت پیدا می‌کردند، به حاشیه کشیده شدند و در نهایت به بیرون پرتاب شدند... این جریان‌های فکری هروقت که مصلحت آنها ایجاب کند، می‌توانند سر از راست دربیاورند و هر زمان که نزدیک‌شدن به گفتمان اصلاحات برای آنها سود و منفعت بیشتری داشته باشند، به گفتمان اصلاحات نزدیک شوند... به نظر من شبه‌اصلاح‌طلبان بیشترین ضربه را به جریان اصلاح‌طلبی زدند که تلاش کردند از جریان اصلاحات یک برج بابل بسازند تا به عرش قدرت و منفعت برسند. به همین دلیل نیز در مرحله نخست باید جریان اصلاح‌طلبی را از دست شبه‌اصلاح‌طلبان منفعت‌طلب نجات دهیم. امروز عده‌ای به نام اصلاح‌طلبی مانع بزرگی در مسیر توفندگی و بالندگی جریان اصلاحات به وجود آورده‌اند.

کیهان

آقای آشنا! جنابعالی که موافقید چرا لاپوشانی می‌کنید؟!

● ...مدیرمسئول کیهان در ستون «نکته» -کیهان دیروز- که در آن از آقای روحانی خواسته شده بود برای تحقیر آمریکا، شرکت در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل متحد را در اعتراض به ریاست ترامپ بر شورای امنیت این سازمان تحریم کند... آقای آشنا در نوشته خود به کیهان کنایه زده و آورده است؛ «یادم نمی‌آید در جریان حماسه کلمبیای رئیس‌جمهوری قبلی، کیهانیان درباره اهانت به ایشان یا ایران نگرانی ابراز کرده باشند یا هیچ‌گاه از دستاوردهای سفرهای همیشه موفق ایشان سؤال کرده باشند»! دراین‌باره گفتنی است که صرف‌نظر از مواضع پلشت و سخیف آقای احمدی‌نژاد که از سال‌های میانه دور دوم ریاست‌جمهوری او بروز کرد و مراجعه به آرشیو کیهان نشان می‌دهد که کیهان تنها روزنامه و اولین رسانه‌ای بود که به نقد مواضع غیراصولی وی پرداخت و با اعتراض شدید ایشان و همفکرانش نیز روبه‌رو شد، برخورد او با انبوه دشمنان جمهوری اسلامی که در دانشگاه کلمبیا ایشان را محاصره کرده بودند، در حد و اندازه یک حماسه بود.

politics@sharghdaily.ir

رئیس‌جمهوری:

اگر ترس و ناامیدی ایجاد کنیم، هزینه ملت را بالا برده‌ایم

ایسنا: رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه هیئت دولت با تسلیت ایام سوگواری اباعبدالله‌الحسین(ع)، با اشاره به اینکه امروز می‌توان صحنه‌های عاشورا را ترسیم کرد، گفت: «امروز گروهی روبه‌روی ملت ایران قداره‌بندی می‌کنند که به‌جز چند کشور، طرفداری از لحاظ سیاسی و فکری ندارند و بدترین وضع در داخل کشور خودشان است. امروز آمریکا در بدترین شرایط جهانی قرار گرفته و حتی سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو، سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و دادگاه کیفری بین‌المللی با سیاست‌های آمریکا موافق نیستند». حسن روحانی عنوان کرد: «امروز با وجود اینکه ایران با جنگ اقتصادی ناخواسته روبه‌رو است و در برابر افرادی قرار گرفته که به هیچ قانون بین‌المللی‌ای احترام نمی‌گذارند، روحیه و ایستادگی ملت ایران به‌ویژه در این ایام که پرچم امام حسین(ع) به اهتزاز درمی‌آید، مثال‌زدنی است. اگر مشکلی وجود داشته و احتمال عدم ایستادگی از سوی برخی می‌رود، پرچم عاشورا و کربلا همه این افسون‌ها را باطل کرده و تبلیغات یک‌ساله دشمنان را می‌زداید و مردم باز سرمشق‌شان امام حسین(ع) و اصحاب و یاران آن حضرت خواهد بود».

او با اشاره به اینکه راه امام حسین(ع)، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر بود، گفت: «امروز معروفی بالاتر از امیددادن به مردم در مسیر استقامت و منکری بیشتر از ایجاد هراس و اضطراب در دل مردم، آن هم به‌طور نابجا و غلط وجود ندارد. امروز در یک آزمایش بسیار بزرگ قرار گرفته‌ایم و تمام رسانه‌های حقیقی و مجازی و همه مسئولان و کسانی که قدرت دارند، به ملت بزرگ ایران کمک کنند و بار بسیار سنگینی بر دوش دارند». رئیس‌جمهوری با بیان اینکه مسئولان و کارگزاران و رسانه‌ها در این آزمایش یا پیروز خواهند شد یا شکست می‌خورند، اما ملت ایران قطعا پیروز این صحنه خواهد بود، عنوان کرد: «اگر ایستادگی کرده و به مردم روحیه بدهیم، هزینه ملت را کاهش

داده‌ایم، اما اگر ترس، هراس و ناامیدی ایجاد کنیم، هزینه ملت را بالا برده‌ایم و چه کاری ضدانقلابی‌تر از اینکه ما در صفحه اول روزنامه‌ها، سایت‌ها و خبرگزاری‌ها و رسانه‌های خود، در دل مردم هراس ایجاد کنیم».

روحانی با اشاره به اینکه نباید نادرست و ناعادلانه سخن گفته و حقایق را به مردم نگوییم، افزود: «البته مردم در این جنگ بدون مشکل نخواهند بود؛ چراکه جنگ بدون کشته و مجروح نمی‌شود، اما این جنگی است که مطمئن‌ایم، پیروزی نهایی با ماست و دشمن را در آن شکست خواهیم داد».

نباید مردم را از آینده مأیوس کنیم

او با انتقاد از نگفتن حقایق و واقعیات به مردم و ایجاد ترس و دلهره در مردم گفت: «مگر ارز خارجی در اقتصاد کشور ما چند درصد نقش دارد؟ بر فرض آنکه واردات کالا و خدمات ۱۰ درصد نقش داشته باشد، باید ببینیم که از این میزان چه مقدار با ارز چهار هزارو ۲۰۰ تومان، چه مقدار با ارز حدود هفت هزار تومان و چه میزان برای بازار سوم می‌ماند. بازار سوم در برابر ارزش تولیدات داخلی کشور، کمتر از یک درصد یا ۱،۳ درصد است».

رئیس‌جمهوری با بیان اینکه نباید اقتصاد کشور را براساس این رقم محاسبه کنیم و این به دور از عدل، کارشناسی، حق و انصاف است، گفت: «متخصص، نخبه و روزنامه‌نگار و سرمقاله‌نویس ما، چرا این واقعیت‌ها را به مردم نمی‌گویند و این در حالی است که امروز خدمات آموزش، بهداشت و درمان، آب و برق، گاز، بنزین، گازوئیل و انرژی، بر مبنای دلار کوچه‌پس‌کوچه‌های فلان خیابان محاسبه نمی‌شود». اوافزود: «عده‌ای مداوم می‌گویند که باید مشکل مردم را درک کنید و این درست است که مردم مشکل دارند و ما در جنگ اقتصادی و روانی قرار داریم، اما این دلیل نمی‌شود که حقایق را تحریف کرده و نقاط مثبت را به مردم نگوییم». روحانی گفت: «در همین شرایط سال ۹۷، تراز تجاری ما درمقایسه‌با پارسال بهتر بوده است، اما به محض اینکه دولت این موفقیت‌ها را بازگو می‌کند، عده‌ای پیدا می‌شوند و در گوشه‌ای کل اقتصاد را بر مبنای همان یک‌درصد، محاسبه می‌کنند و این عدالت و انصاف نیست».

برخی ویروس بدبینی را در کشور منتشر می‌کنند

رئیس‌جمهوری با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری عنوان کرد: «سخنان ایشان هیچ نقطه ابهامی را باقی نگذاشت و ایشان به‌صراحت گفتند که امروز زمان آن نیست که کسی بخواهد پشت دولت را خالی کند. تا انتخابات زمان بسیاری باقی مانده است. هیچ‌کس نباید تصور کند که تخریب دولت می‌تواند برای آنها چه در انتخابات سال آینده و چه در انتخابات سال ۱۴۰۰ رأی به وجود بیاورد و کسانی که این‌گونه فکر می‌کنند، مردود این آزمایش تاریخی در ایران خواهند بود».

او با بیان اینکه مقام معظم رهبری از این‌گونه رفتار به ویروس بدبینی تعبیر کردند، گفت: «برخی امروز ویروس بدبینی را در کشور در سخنانشان و تریبون‌ها و رسانه‌هایشان منتشر می‌کنند».

نگاهی به تاریخ و زمینه شکل‌گیری قرارداد ۱۹۲۱

قراردادی با حق برابر

علیرضا افشاری، کنشگر فرهنگی: مدتی پیش وزیر محترم خارجه دولت درباره حقوق ایران در دریای مازندران گفت: «سهم ایران از دریای خزر «هیچ‌گاه» ۵۰ درصد نبوده است». البته می‌دانم که اشاره ایشان به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و پیام‌هایی بود که میان مردم دراین‌باره می‌گشت که هرچند در همان مورد هم اطلاق واژه هیچ‌گاه جای بحث دارد؛ اما به‌کارگیری واژه‌ای نادقیق از سوی چنان مقامی و با چنان دانشی برایم عجیب بود. تا پیش از هجوم روس‌ها برای اشغال آسیای میانه و قفقاز در انتهای دوران صفوی، نه‌فقط ۵۰ درصد بلکه کل این دریا همیشه در قلمرو ایران تعریف می‌شده که یا دولت‌های ایرانی اطراف آن بوده‌اند یا کل آن تحت سیطره حکومت فراگیر ملی ایرانی بوده که تا هنگامِ آقامحمدخان قاجار دنباله داشته است و حتی در مقطع فروپاشی امپراتوری روسیه تزاری هم امیدی برای پیوستن آن سرزمین‌ها به میهنِ تاریخی‌شان ایجاد شد. فراموش نکنیم که شکل‌گیری دولت روسی، به نسبت تاریخ درازدامن ما، بسیار متأخر است. شاید نگاهی به انبوه نام‌های تاریخی و شناخته‌شده این دریا - جز یکی که شوربختانه همان هم نام رسمی این دریا در کشورمان است- به‌خوبی پیوند تاریخی این دریا با مردم و دولت‌های ایرانی را نشان دهد. به‌هررو این موضوع بهانه‌ای شد تا نگاهی بیندازم به تاریخ و زمینه شکل‌گیری قرارداد ۱۹۲۱ که می‌تواند در برداشت درست ما از این قرارداد مهم و تعیین‌کننده باشد. در واقع قرارداد ۱۹۲۱ آخرین و مهم‌ترین قراردادی است که حد و حدود این دریاچه را که به خاطر بزرگی‌اش عادت کرده‌ایم آن را دریا بنامیم، میان ایران و همسایه شمالی پیشینش تعیین می‌کند. قرارداد ۱۹۴۰ در واقع پیوست و تکمیل‌کننده آن است. این قرارداد در شرایط تاریخی بسیار خاصی بسته شد که ناآشنابودن به آن برداشت ما از مسئله را دچار خطا می‌کند. نوامبر ۱۹۱۷میلادی (میانه آبان ۱۲۹۶ خورشیدی) انقلاب بلشویکی در روسیه پیروز شد و به حکومت تزارها پایان داد و لنین که تازه از سوئیس به پتروگراد آمده بود، حکومت کمونیستی «شورای کمیسرهای خلق» را برپا کرد. بااین‌حال پنج سالی طول کشید تا با فرونشاندن مخالفت‌ها در سراسر روسیه و پیروزی ارتش سرخ در جنگ داخلی با ارتش سفید، شوروی تأسیس شود. لنین که پیش از انقلاب در روسیه نیز در نوشته‌های خود از جنبش مشروطه در ایران حمایت می‌کرد، برای نشان‌دادن تفاوت خود با حکومت ظالم تزارها اعلام کرد روسیه تغییر کرده و دیگر نمی‌خواهد به ملل اطراف ظلم کند و به‌همین‌دلیل روسیه در چند اعلامیه جداگانه قراردادهای تحمیلی دولت تزاری روسیه به ایران و امتیازهای به‌دست‌آمده از آن را لغو و از بدهی‌های پولی ایران به روسیه (بانک استقراضی آن که در ایران بود) صرف‌نظر کرد. او در پیامی که برای ملت‌های منطقه فرستاد، مژده داد: «خاتمه مجازات خونینی که برای تقسیم‌کردن ممالک دیگران شروع شده بود، نزدیک می‌شود. سلطنت وحشیانه که زندگانی ملل عالم را بنده خود قرار داده بود، مقهور شد. عمارت کهنه و پوسیده استبداد و بندگی در زیر ضربات انقلاب روس خراب می‌شود...» و اعلام کرد که «عهدنامه سرّی راجع به تقسیم کشور ایران (۱۹۰۷) محو و پاره شد و همین که عملیات جنگی خاتمه یابد، قشون روس از ایران خارج می‌شود و حق تعیین مقدرات ایران به دست ایرانیان تأمین خواهد شد...» و این پیام‌ها چنان با استقبال ایرانیان روبه‌رو شد که شاعران آزادی‌خواهی مانند بهار و عارف‌قزوینی ابیاتی را در وصف او سرودند.

فضای تنفس

انقلاب روسیه همچنین شعارهای ستم‌ستیزانه لنین برای ایران تحت اشغالِ متفقین فضایی برای تنفس ایجاد کرد؛ چراکه نه‌تنها به لغو عهدنامه ۱۹۰۷ انگلستان و روسیه مبنی بر تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ انجامید، سبب شد قوای روس ایران‌زمین را تخلیه کند. یعنی نه‌فقط ایران بلکه سرزمین‌های اشغال‌شده ایرانی قفقاز را هم تخلیه کند. نخست گرجی‌ها و ارانی‌ها (تاتارهای قفقاز یا اهالی جمهوری آذربایجان بعدی) کمیساری ماورای قفقاز را تشکیل داده و سپس با اعلام استقلال رسمی در ۲۲ آوریل ۱۹۱۸(اول اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۷ خورشیدی)- بر پایه قرارداد برست لیتاوفسک، که میان حکومت بلشویکی روسیه و دولت آلمان بسته شد- فدراسیون قفقاز را بنیاد نهادند که شامل چند کشور مستقل می‌شد. در این گذر، نیروهای آلمان، عثمانی و با کمی فاصله انگلیسی هرکدام به‌گونه‌ای به منطقه آمده و کوشیدند سهمی بردارند، هرچند در میان این کشورهای نوبنیاد تمایل به بازگشت به سرزمین مادر وجود داشت. این تمایل خودش را در نشست صلح ورسای نمایاند اما نمایندگان انگلیس در هر سه‌باری که برای حضور ایران در این نشست رأی‌گیری شد، با وجود اظهار تمایل آمریکایی‌ها، با آن مخالفت کردند.

ازاین‌رو، تلاش هیئت نمایندگی ایران - که به‌خاطر فشار انگلیس بر دولت ایران به‌سرعت پشتیبانی دولت را هم از دست داد- برای لغو قراردادهای ننگین و استعماری‌ای که سبب جدایی بخش‌های بزرگی از کشور ایران شده بود، به نتیجه نرسید؛ جز آنکه گفت‌وگو با نمایندگان مردم آران، که به‌تازگی نام جمهوری آذربایجان را بر سرزمین خود نهاده و به‌سختی خود را به کنفرانس رسانده بودند، ادامه یافت. به‌این‌ترتیب در حرکتی مدنی به‌دنبال گفت‌وگوهای دو هیئت در پاریس و پیشنهاد هیئت جمهوری آذربایجان برای ایجاد فدراسیون با ایران، در پاییز سال ۱۲۹۸ خورشیدی (۱۹۱۹میلادی)، هیئتی به ریاست سیدضیاءالدین طباطبایی به قفقاز گسیل شد تا زمینه بستن قرارداد فدراسیون میان تهران و باکو را فراهم آورد تا در صورت موفقیت کامل، به اقدام مشابه درباره ارمنستان و گرجستان بپردازد. اما یورش چندین‌باره روس‌ها به قفقاز و سلطه آنان بر جمهوری‌های نوخاسته آذربایجان و سپس ارمنستان و گرجستان، تلاش‌های ایران را برای وحدت دوباره با سرزمین قفقاز به شکست کشاند. فراموش نکنیم که دولت بلشویکی لنین با دادن مناطقی به ترکیه، در قراردادی، بدون برخورد با هیچ مقاومتی وارد باکویی شد که در اختیار ترک‌ها بود و اکنون با زدوبندی آنجا را واگذار کرده بودند! دراین‌میان، دولت ناتوان و فاسد ایران نه‌تنها از کمترین کوششی برای تأثیرگذاری در معادلات منطقه و پشتیبانی از مردم ستم‌کشیده منطقه قفقاز دریغ ورزید بلکه با دریافت رشوه، قرارداد محرمانه‌ای را با انگلستان امضا کرد که فقط عنوان تحت‌الحمایگی را کم داشت وگرنه از نظر محتوا، در حد قرارداد تحت‌الحمایگی بود (قرارداد ۱۹۱۹). هرچند این قرارداد بر اثر پایمردی مردم ایران و ایستادگی مجلس شورای ملی و اعتراض شدید جراید، در نهایت، کان‌لم‌یکن اعلام شد اما مردم را از توجه به آنچه برای باری دیگر در قفقاز در جریان بود، بازداشت. پس‌ازآنکه روس‌های سرخ، به پیروی از پیشینیان غارتگرشان پا به منطقه گذاشتند و مخالفان را به‌شدت سرکوب کردند - به‌طوری‌که در یک نمونه یک‌پنجم مردم باکو را از دم تیغ گذراندند- تجاوز نظامی به ایران را آغاز کردند. ۱۸ می ۱۹۲۰ چند کشتی جنگی بلشویک، به بهانه دروغین پناه‌دادن به کشتی‌های جنگی مخالفان بلشویک‌ها، بندر غازیان را گلوله‌باران کردند. سپس سرخ‌ها از سویی پای به بندر انزلی و از سوی دیگر مازندران نهادند و چند روز بعد هم سربازان سرخ در آستارا پیاده شدند و گروهی هم زمینی و با توپخانه در ناحیه سرخس از مرز گذشتند و دست به قتل و غارت زدند.

به‌دنبال این تجاوز دولت ایران، ضمن اعتراض به دولت بلشویکی روسیه، به مجمع اتفاق ملل شکایت کرد و خواستار برپایی مجمع عمومی و رسیدگی به تجاوز بلشویک‌ها شد.

نخستین شکایت در مجمع ملل

گویا این نخستین شکایت طرح‌شده در این مجمعِ تازه‌تأسیس بود، همچنان که سال‌ها بعد با وقوع غائله آذربایجان ایران نخستین کشوری بود که به سازمان نوبنیاد ملل متحد شکایت برد، باز هم از همین همسایه! سرانجام مجمع عمومی جامعه ملل، در نشست روز ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰، چنین نظر داد که مجمع مایل است پیش از هرگونه تصمیمی در انتظار انجام وعده‌های شوروی بماند که با امضای قراردادی میان فرماندهان ارتش سرخ در گیلان و میرزاکوچک‌خان و توافق دو طرف بر تأسیس «جمهوری شوروی گیلان» جلوی توسعه رسمی این تجاوز گرفته شد؛ هرچند سبب نگرانی بزرگ‌تری در راستای تجزیه ایران شد. در آن زمان، ایران در لبه پرتگاه قرار داشت. گیلان در دست ارتش سرخ و شاخه چپ‌گرای هواداران میرزاکوچک‌خان بود؛ در آذربایجان قیامی بر پا شده و مأموران دولت مرکزی از آن خطه اخراج شده بودند و برخی نقاط ایران در اشغال ارتش انگلیس بود. دولت بریتانیا افزون بر تمرکز نیرو در قزوین و همدان برای رویارویی احتمالی با شوروی، نیرویی هم در تربت‌حیدریه مستقر کرده بود تا از حمله احتمالی بلشویک‌ها به هند جلوگیری کند. از سوی دیگر، دولت بریتانیا با تجهیز هرچه بیشتر «پلیس جنوب» به حضور نظامی خود در جنوب کشور شکل سازمان‌یافته‌تری بخشیده بود. در چنین شرایطی، مشیرالدوله که با سقوط دولت وثوق‌الدوله نخست‌وزیر شده بود، هیئتی را برای گفت‌وگو با بلشویک‌ها به روسیه گسیل کرد که به قرارداد «مودّت» در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ (هفتم اسفندماه ۱۲۹۹ خورشیدی) انجامید. هرچند در فصل اول قرارداد مزبور می‌خوانیم: «... یک مرتبه دیگر رسما اعلام می‌نماید که از سیاست جابرانه دولت‌های مستعمراتی روسیه - که به اراده کارگران و دهقانان این مملکت سرنگون شد- نسبت به ایران تعقیب می‌نمود، قطعا صرف‌نظر می‌نماید. نظر به آنچه گفته شد و با اشتیاق به اینکه ملت ایران، مستقل و سعادتمند شده و بتوانند آزادانه در دارایی خود تصرفات لازمه را بنمایند، دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادها را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع می‌نمود، مُلغا و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان می‌نماید»، اما دولت روسیه با اشغال دوباره سرزمین‌های ایرانی و درعین‌حال بخش‌هایی از گیلان عملا کارد را زیر گلوی ایران گذاشته و درعین‌حال ژست عدالت‌طلبی می‌گرفت.

سرزمین‌های ازدست‌رفته

به‌این‌ترتیب، برخلاف صراحت متن، نامی از قراردادهای گلستان و ترکمانچای و آخال در قرارداد نیامده و ایرانیان هم در جایگاهی نبودند که خواهان بازپس‌گیری سرزمین‌های یادشده شوند؛ هرچند نگرانی این بازپس‌گرفته‌شدن نزد روس‌ها وجود داشت. فراموش نکنیم دولت انگلستان نیز با وجودی که با دولت بلشویکی روسیه در حال ستیز بود، از عقد چنین قراردادی خوشحال بود؛ زیرا هرگونه اعاده وضع پیشین در سرزمین‌های قفقاز و خوارزم و فرارود، می‌توانست منافع نامشروع دولت مزبور در منطقه را به خطر اندازد و باعث تشویق مردم افغانستان، مُکران، بلوچستان و حتی عراق و جنوب خلیج‌فارس در اعاده وضع سابق شود. قرارداد ۱۹۲۱ در این شرایط امضا شد و دقیقا به همین خاطر است که در آن حق برابری در مورد موضوع مورد بحث، یعنی دریای مازندران، برای ایران در نظر گرفته شده چراکه عملا سرزمین‌های دو سوی این دریا سرزمین‌هایی بودند که از ایران جدا شده و به‌تازگی هم برای بار چهارم اشغال شده بودند و هنوز احتمال بازگشتشان به ایران می‌رفت و ما نباید با عینکِ اکنون نقشه را دیده و بگوییم دریا در اختیار شوروی بود و دیگران را سرزنش کنیم که چرا گمان می‌کنند حق برابری به ما داده شده؟! درست است که در عمل و در دوره‌های بعد، این ابرقدرت جهانی به همسایه ناتوانش اجازه فعالیتی در این دریا را نداد اما این امتیاز را در آن مقطع در پی فشار جهانی از برای شکایت ایران و درعین‌حال دل‌خوش‌کردن ایرانیان، در کنار انبوهی سخنان قشنگِ پررنگ‌ولعاب، برای ایرانیان قائل شد. آشکار است اگر این ابرقدرتِ نوبنیاد ذره‌ای گمان می‌کرد در آینده با حضور دیکتاتوری دژخیم به نام استالین -با کشتارهای مهیبی که در این سرزمین‌ها، برخلاف همه آن شعارهای اولیه انجام داد- نه‌تنها ایران بلکه سرزمین‌های ایرانی‌تبار دو سوی دریا برایش مزاحمتی ایجاد نمی‌کنند و از سوی دیگر، ممکن است روزگاری این حقِ برابر برایش سبب دردسری شود قطعا آن را در قرارداد نمی‌آورد یا به‌گونه‌ای می‌نوشت که بعدها جای بازی بیشتری داشته باشد.

روزنه

واکنش وزارت خارجه به بیانیه کاخ سفید:

بیانیه‌ای برای فرار به جلو

● وزارت امور خارجه ایران کمتر از یک روز بعد از قرائت بیانیه‌ای ضدایرانی در کاخ سفید، به آن واکنش نشان داد. در بیانیه کاخ سفید، آمریکا مسئولیت هرگونه اقدام علیه مواضع آمریکا و متحدان آن در بصره را بر عهده ایران دانست. به گزارش «ایسنا»، بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه، این بیانیه را فاقد هرگونه وجاهت، حیرت‌انگیز، تحریک‌آمیز و غیرمسئولانه توصیف کرد.

او سیاست‌های تنش‌زا و اقدامات مداخله‌جویانه و دخالت‌های تجاوزکارانه دولت آمریکا را عامل و علت اصلی بی‌ثباتی، ناآرامی و ایجاد تنش و تفرقه در منطقه دانست و افزود: «سیاست‌های این کشور در عراق، حاصل و ثمری جز ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی به دنبال نداشته و شرایط و آشوب‌های اخیر در عراق ازجمله حمله و آتش‌زدن ساختمان سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در بصره، نتیجه این سیاست‌ها و حمایت‌های آشکار و نهان نابخردانه و کوته‌بینانه آنها از گروه‌هایی است که خشونت و افراط‌گرایی را توسعه و ترویج داده و آن را به امری روزمره و عادی بدل نموده‌اند و دولت آمریکا باید پاسخ‌گوی حمایت‌های چندین‌ساله خود از این‌گونه گروه‌ها در منطقه باشد و صدور چنین بیانیه‌های فرافکنانه و مشکوکی که به نوعی فرار به جلو قلمداد می‌شود، نمی‌تواند از بار مسئولیت آنها در ایجاد تنش و حمله به اماکن دیپلماتیک و ساختمان‌های دولتی در آن کشور و دیگر مناطق جهان بکاهد. امروز بسیاری از دولتمردان، سیاست‌ورزان و روشنفکران در جای‌جای جهان به نقش فزاینده ایالات متحده در ایجاد بی‌ثباتی، ناامنی و زیاده‌خواهی‌های قلدرمابانه آن به خوبی آگاه‌اند».

سخنگوی وزارت امور خارجه در ادامه ضمن تأکید بر سیاست اصولی و همیشگی جمهوری اسلامی ایران در حفظ صلح، ثبات و امنیت در کشورهای منطقه، گفت: «عراق امن و توسعه‌یافته همواره از خواسته‌ها و اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران است و توطئه‌های طرف‌های ثالث نمی‌تواند مانع توسعه و ارتقای این روابط دیرینه و مستحکم شود».

ادعای کاخ سفید

به‌گزارش «ایسنا»، سارا سندرز، سخنگوی کاخ سفید، با قرائت بیانیه‌ای به تهران هشدار داد به هرگونه حمله‌ای که از سوی متحدان ایران در عراق صورت گیرد و به آمریکایی‌ها یا مواضع آمریکا آسیب برساند، «واکنش سریع و قاطع» نشان می‌دهد.

این بیانیه ایران را به ممانعت‌نکردن از حمله به کنسولگری آمریکا در بصره و سفارت این کشور در بغداد متهم کرد. در این بیانیه ادعا شده است: «ایران در راستای توقف این حملات از سوی وابستگانش در عراق که آنان را تأمین مالی کرده، به آنان آموزش می‌دهد و سلاح در اختیار آنان می‌گذارد، اقدام نکرده است». این بیانیه می‌افزاید: «آمریکا نظام ایران را مسئول هرگونه حمله‌ای می‌داند که به مجروح‌شدن نیروهای ما یا آسیب‌رسیدن به تجهیزات دولت آمریکا منجر شود. آمریکا در دفاع از جان آمریکایی‌ها، واکنشی سریع و قاطع نشان خواهد داشت». بر اساس اعلام ارتش عراق، در روز جمعه، سه خمپاره در منطقه خضرای بغداد که سفارت آمریکا نیز در آن واقع است، فرود آمد، اما تلفات یا خسارتی بر جای نگذاشت. این حمله با خمپاره، در چندین سال اخیر در منطقه خضرا که ساختمان پارلمان و دولت عراق و سفارتخانه بسیاری از کشورها در آن قرار دارد، بی‌سابقه بوده است. کنسولگری آمریکا در بصره در نزدیکی فرودگاه این شهر قرار دارد که روز شنبه مورد حمله موشک قرار گرفت. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، این حمله تلفات یا خسارتی نداشته است. این در حالی است جمعه‌شب کنسولگری ایران در بصره به آتش‌کشیده شد. پیش از این اتفاق، کارکنان کنسولگری آنجا را ترک کرده بودند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و یک مرحله ای شماره ۰۵۹/۹۷/ات

جهت تعمیرات و نگهداری، تامین خودروها، تجهیزات و مواد مصرفی و خدمات عملیات بهره برداری

کارخانه NGL در منطقه سیری

مجوز شماره ۱۳۹۷/۲۸۱۶ نوبت دوم

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد انجام خدمات فوق الذکر را طبق شرح کار تدوین شده از طریق مناقصه عمومی و به مدت دوسال به پیمانکار واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید:

الف: خدمات مورد نیاز: خدمات تعمیرات و نگهداری، تامین خودروها، تجهیزات و مواد مصرفی و خدمات عملیات بهره برداری کارخانه NGL

ب: محل اجرای خدمات: جزیره سیری واقع در خلیج فارس

ج: مدت خدمات مورد نیاز: دو سال

د: شرایط متقاضی:

۱- توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۶/۴۰۸/۰۰۰/۰۰۰ (شش میلیارد و چهار صد و هشت میلیون) ریال و انجام تعهدات طبق ضوابط کارفرما در صورت برنده شدن.

۲- توانائی ارائه ضمانتنامه اجرای تعهدات به میزان ۱۰٪ مبلغ کل قرارداد و نیز کسر ۱۰٪ از هریک از پرداختهای قراردادی جهت تضمین حسن انجام کار

۳- ارائه گواهینامه معتبر تشخیص صلاحیت از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان هرمزگان مرتبط با موضوع خدمات

و: سایر شرایط:

۱- به تقاضاهای مشروط و مبهم و ناقص و یا مغایر با شرایط مندرج در این آگهی و تقاضاهایی که بعد از مهلت مقرر دریافت گردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۲- شرکت نفت فلات قاره ایران در رد یا قبول هریک یا تمام پیشنهادات در چارچوب قانون برگزاری مناقصات مختار خواهد بود.

متقاضیان واجد صلاحیتی که دارای شرایط به شرح فوق بود و آمادگی جهت انجام خدمات را دارا می باشند می توانند ظرف مدت ده روز پس از انتشار تاریخ آگهی نوبت دوم درخواست کتبی خود را به همراه مدارک مشروحه ذیل به نشانی: تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از مسجد بلال، نرسیده به تقاطع شهید مدرس، خیابان تورج، خیابان خاکزاد، شماره ۱۲، شرکت نفت فلات قاره ایران، طبقه پنجم، امور قراردادها، تلفن: ۲۳۹۴۲۵۱۱ ارائه و همزمان حضورا نسبت به دریافت مدارک ارزیابی کیفی اقدام نمایند.

۱- اساسنامه شرکت (تصویر صفحه اول اساسنامه که موضوع شرکت در آن ذکر شده باشد)

۲- ارائه گواهینامه معتبر تشخیص صلاحیت از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان هرمزگان

۳- معرفی نامه شرکت متقاضی جهت دریافت اسناد

ضمنا می بایستی ظرف مدت ۱۴ روز از تاریخ پایان دریافت مدارک ارزیابی کیفی اطلاعات مورد درخواست به آدرس ذیل در مقابل رسید تحویل گردد. محل و زمان تحویل و گشایش پیشنهادها در اسناد مناقصه قید میگردد.

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان تورج، خیابان خاکزاد، شماره ۱۲، شرکت نفت فلات قاره ایران، طبقه ۵، امور قراردادها، تلفن: ۲۳۹۴۲۵۱۱

تبصره: متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در روز آگهی نوبت دوم به سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOOC.CO.IR مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران